

مطالعه تطبیقی بازرسی و تفتیش از اماکن در اجرای وظایف پلیس ایران و انگلستان

سعید صحتی^۱ حمید فاطمی موحد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۰

از صفحه ۴۱ تا ۶۵

چکیده

بازرسی و تفتیش از جمله اقدامات مهم و تأثیرگذاری است که در تحقیقات مقدماتی و یا تکمیلی توسط ضابطان دادگستری در جهت کشف جرم بعمل می‌آید این مسئله موجب گردیده است که وظایف و اختیاراتی بر عهده ضابطان دادگستری طبق قوانین و مقررات مدون قرار داده شود. موضوع مورد تحقیق با هدف مطالعه تطبیقی بین حقوق ایران و انگلیس در وظایف و اختیارات پلیس در بازرسی و تفتیش از اماکن انجام می‌گردد. ضابطان دادگستری در راستای کشف و حفظ آثار و ادله وقوع جرم و ادله شناسایی و دستگیری متهم و همچنین جلوگیری از فرار متهم و غیره گاه مجبور به استفاده از روش بازرسی و تفتیش می‌باشند با توجه به نقش و تأثیر این روش در کشف و پیشگیری از جرم و همچنین ضابطان دادگستری به اقتضای مأموریت‌های محوله به خود (ایجاد و حفظ نظم و امنیت) تمایل دارند که از اختیارات گسترده‌ای برخوردار باشند لیکن نهادهای قانونگذار، حقوقدانان، قضات و وکلاء با تأکید بر رعایت و احترام به حقوق شهروندی با این امر مخالفت می‌نمایند. موضوع بازرسی و تفتیش از اماکن در بیشتر مواقع در خصوص مظنونین و متهمین به ارتکاب جرم انجام می‌شود بایستی عنایت داشت که این امر به گونه‌ای صورت پذیرد که حقوق افراد مظنون و متهم نیز بصورت متعادل و متوازن مورد حمایت و رعایت قرار گیرد زیرا که نادیده گرفتن این حقوق موجب عدم رعایت انصاف، عدالت و قانون خواهد بود.

واژگان کلیدی: تطبیق، بازرسی، تفتیش، اماکن، پلیس، ایران، انگلستان

مقدمه

نظم اجتماعی اقتضای می‌کند که نیرویی برای کنترل آن وجود داشته باشد تنها قوه مقننه نیست که با وضع قوانین نظم اجتماعی را تامین می‌کند بلکه قبل از وضع مقنن بایستی نیروی برای کنترل نظم وجود داشته باشد (شفیعی، ۱۳۹۵: ۲۰). در راستای نیل به تامین امنیت اجتماعی مذکور در برخی موارد نیاز به تفتیش و بازرسی امکان می‌باشد. بازرسی و تفتیش از جمله اقدامات مهم و تأثیر گذاری است که در تحقیقات مقدماتی و یا تکمیلی توسط ضابطان دادگستری در جهت کشف جرم بعمل می‌آید. این مسئله موجب گردیده که وظایف و اختیاراتی بر عهده ضابطان دادگستری طبق قوانین و مقررات مدون قرار داده شود. به این منظور ضابطین دادگستری به عنوان بازوی اجرایی دادسراها و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان پیش‌بینی گردیده‌اند که پلیس نیز به عنوان ضابط عام دادگستری در این زمینه انجام وظیفه می‌کند. در ایران قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) در ۳۵ ماده (مواد ۲۸ تا ۶۳) وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری اعم از پلیس را بیان کرده است.

در سیستم حقوقی انگلستان (مبتنی بر نظام کامن‌لا)، تا قرن‌ها بزه دیده عهده دار تعقیب بوده است و هیچ نهاد دیگری برای انجام این مهم وجود نداشته است. با گذشت زمان، پلیس به طور روز افزونی در امر تعقیب درگیر شد و زمانی که پلیس در ابتدای قرن نوزدهم به صورت سازمان یافته تشکیل شد، انتظار از پلیس آن بود که علاوه بر کشف جرم و دستگیری افراد مظنون، آغاز به تعقیب را نیز عهده دار شود. بدین جهت در این کشور تنها نهاد تعقیب کیفری پلیس بود و تا مدت‌ها از نهاد دیگری به نام دادسرا خبری نبود. اما در اواسط دهه ۱۹۸۰ شیوه تعقیب در انگلستان و ولز دستخوش تغییر گردید و نهاد مستقل تعقیب ایجاد شده و رو به گسترش نهاد (اندرو و ردماین^۱، ۲۰۰۴: ۱۷۴) اکنون در انگلستان نهاد تعقیب شامل پلیس و دادسرا است که موضوع تفتیش و بازرسی امکان نیز بخشی از اختیارات پلیس در این کشور می‌باشد.

ضابطان قضایی در ایران تنها از باب نمایندگی یا واگذاری اختیار، اقداماتی را در راستای پیشگیری و کشف جرم انجام می‌دهند لیکن در انگلستان اقدامات پلیس در بسیاری از موارد همانند بازرسی و تفتیش بر مبنای کشف و تعقیب جرم است. بی شک یکی از علت‌های ناکارآمدی نظام کیفری ایران ناشی از اختیارات و تکالیف گسترده و فراوان مراجع قضایی است که مجال کمتری برای طراحی و سازماندهی امر کشف جرم دارند در حالی که در انگلستان ضابطان آموزش دیده در کنار دادستان، برخی از امور را به عهده دارند. این مختصر، بازرسی در ساز و کارهای کشف جرم را گوشزد می‌کند که با یک واکاوی و تطبیق بین نظام داخلی کشور و یک نظام خارجی همانند انگلستان می‌تواند انجام گیرد.

بیان مسئله :

حقوق امروزه مانند بسیاری دیگر از نهادهای اجتماعی امری فرا سرزمینی و جهانی است. بسیاری از واژگان و تاسیسات حقوقی از خاستگاه سرزمینی خود مهاجرت کرده و وارد نظام‌های حقوقی دیگر در سایر کشورها

می‌شوند. به این ترتیب نظام‌های حقوقی-قضایی با وام گرفتن از یکدیگر هوشمندتر و کارآمدتر می‌شوند. در تعریف ضابطان دادگستری مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ آمده است که: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند».

ضابطان دادگستری در نظام حقوقی ایران برابر ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری عبارتند از ضابطان عام که شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند و ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و طبق ماده ۶۰۲ قانون یاد شده در بخش آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

بازرسی در لغت به معنای عمل بازرسی و تفتیش آمده که در اصطلاح امور کیفری عبارت است از جستجو در منازل، اماکن و اشیاء در مواردی که حسب دلایل ظنّ قوی به کشف متهم یا اسباب یا ادوات و دلایل جرم در آنها وجود داشته باشد. که در واقع بازرسی و تفتیش از جمله اقدامات مهم و تأثیرگذاری است که در تحقیقات مقدماتی و یا تکمیلی توسط ضابطان دادگستری در جهت کشف جرم بعمل می‌آید این مسئله موجب گردیده که وظایف و اختیاراتی بر عهده ضابطان دادگستری طبق قوانین و مقررات مدون قرار داده شود.

پلیس در انگلستان مسئول تحقیق و تحصیل دلایل در خصوص جرم می‌باشد و پس از انجام تحقیقات صورتی که دلایل را کافی برای تفهیم اتهام در تعقیب فرد بیابد به مظنون تفهیم اتهام کرده و پرونده را به اداره دادستانی سلطنتی (CPS) جهت تعقیب ارسال می‌نماید. در نظام عدالت کیفری انگلستان، پلیس و دادستان در امر تعقیب همکاری نزدیک دارند زیرا در موارد لازم پلیس به عنوان شاهد در دادگاه حاضر می‌شود و به نفع ادله دادستان شهادت می‌دهد. وظیفه پلیس در انگلستان از زمان کشف جرم شروع می‌شود و پیش از شروع به تعقیب، پلیس مسئول تحقیق و تحصیل دلایل در خصوص جرم می‌باشد.

منبع اصلی اختیارات پلیس انگلستان قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ (PACE) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، از مهم‌ترین مقررات در حوزه حقوق کیفری انگلستان هستند. هر یک از آیین‌نامه‌های این قانون که در ابتدا ۵ آیین‌نامه بود، در سال ۲۰۰۵ مورد بازبینی قرار گرفت که در آن سال آیین‌نامه‌های آن از ۶ به ۷ ارتقاء یافت و از جولای ۲۰۰۶ لازم‌الاجرا شد و امروزه به ۹ آیین‌نامه گسترش یافته است که هر کدام از آیین‌نامه‌ها ناظر به موضوع خاصی هستند. چنان که آیین‌نامه (A) در مورد ایست و بازرسی، آیین‌نامه (B) راجع به بازرسی اماکن و توقیف اموال، آیین‌نامه (C) ناظر به دستگیری و رفتار با فرد دستگیر شده،

آیین نامه (D) در زمینه تحقیقات و ثبت سوابق، آیین نامه (E) راجع به ضبط صوتی بازجویی، آیین نامه (F) در مورد ضبط تصویری بازجویی و آیین نامه (G) در مورد اختیارات قانونی بازداشت اشخاص است (مهرا و جهانی، ۱۳۹۵: ۳۶).

در حقوق کیفری انگلستان بازرسی و تفتیش عبارت است از بررسی و بازرسی خانه، سایر محل‌های زندگی یا کار اشخاص یا وسایل مربوط به آنها مثل اتومبیل، قایق یا هواپیما برای کشف اقلام غیرقانونی یا اموال مسروقه یا مدارک و ادله ارتکاب جرم به منظور تعقیب دعوای جزایی ناشی از طرح اتهامات علیه ایشان که مبنای این بازرسی بر اساس قانون pace «ظن منطقی و معقول» می‌باشد.

گرچه سیستم حقوقی ایران از حیث ساختاری بیشتر با نظام حقوقی رومی ژرمنی مشابهت سازی شده است با این حال تاثیرات حقوقی بسیار کامن لا (حقوق عرفی یا رویه‌های قضائی) بر نظام‌های دادرسی مختلف (بوژه بر ساختارهای دادرسی‌های بین‌المللی) نمود و در عصر جهانی شدن حقوق کیفری، خواه در جنبه ماهوی و شکلی، چاره‌ای جز آشنایی با ساختارها و مفاهیم حقوقی این نظام نیست. نیاز است در نظام حقوقی انگلستان در خصوص اختیارات پلیس انگلستان در قوانین دادرسی آن کشور در موضوعات بازرسی از امکان مطالعه و با موارد حقوقی ایران مورد تطبیق قرار گیرد. لذا موضوع‌های ضابط بودن نیروهای پلیس، بازرسی و تفتیش، انواع بازرسی و تفتیش و اسباب آن، مقامات صلاحیتدار جهت بازرسی و اختیارات آن‌ها، ضوابط و مقررات بازرسی و تفتیش و ضمانت‌های کیفری عدم اجرای آن‌ها مورد بحث قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق :

با توجه به نقش و تأثیر بازرسی و تفتیش در کشف و پیشگیری از جرم، ضرورت دارد تا وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در این موضوع مورد مطالعه و بررسی تطبیقی قرار گیرد که این امر می‌تواند به اصلاح قوانین موجود و یا وضع قوانین جدید در این حوزه کمک شایانی بنماید و با عنایت به گستردگی شرح وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری می‌توان از تجربیات سایر کشورها در مورد موضوع تحقیق به عنوان یک الگو و راهنما در امر پیشگیری و کشف جرم بهره برداری نمود.

دلایل متعددی را می‌توان در علت انجام مطالعه تطبیقی بیان کرد نخست اینکه حقوق ایران در زمینه آیین دادرسی کیفری تلفیقی از حقوق رومی - ژرمنی و حقوق اسلامی می‌باشد و حقوق انگلستان مبتنی به نظام کامن لا است که نهایتاً منجر به مقایسه دو نظام بزرگ حقوقی در مرحله کشف جرم می‌گردد. دوم اینکه با مطالعه و تطبیق نهاد کشف و تعقیب کیفری در دو نظام کاملاً متفاوت نقاط ضعف و قوت موضوع روشن شده و این امر کمک جدی به قانون گذاری و بازنگری قانون در این بخش خواهد کرد و سوم اینکه نهاد کشف جرم در عصر حاضر به ویژه در محدوده اختیارات پلیس و چگونگی اعمال آن به دلایل پیچیدگی، نوین بودن برخی جرایم و جرایم بانندی و سازمان یافته بین‌المللی با چالش‌های عمده‌ای مواجه است و نیازمند الگوبرداری از سایر کشورهای موفق در این زمینه می‌باشد.

اهداف تحقیق :

تبیین و بررسی وظایف و اختیارات پلیس در بازرسی و تفتیش از اماکن در حقوق کیفری ایران و انگلستان.

روش تحقیق :

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به موضوع، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و با مراجعه به قوانین مدون، رویه قضایی، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های داخلی و خارجی که با موضوع مورد تحقیق مرتبط باشند گردآوری گردیده است.

مفهوم بازرسی و تفتیش

بازرسی، واژه‌ای پارسی و برابر واژه‌ی تازی تفتیش می‌باشد که فرهنگستان ایران بجای واژه‌ی تفتیش برگزیده است (کیانوش، ۱۳۸۱: ۱۹۸-۱۹۹) بنابراین بکار بردن همزمان واژه‌های تفتیش و بازرسی در ماده ۱۳۷ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ایران قابل تأمل است.

تفتیش در لغت به معنای تفحص و بازرسیدن و بازجستن است (معین، ۱۳۸۱: ۱۱۱۰) در زبان عربی تفتیش از ریشه «فتش» گرفته شده و به معنی طلب و بحث است (ابن منظور، ۱۹۸۸م: ۱۷۵) در فرآیند آیین دادرسی کیفری تفتیش به معنای بازرسی و جستجو در مکان، منزل یا اشیاء به قصد کشف جرم، دلایل و آثار آن و یا شناسایی و یا دستگیری متهم است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۲۴۵) برخی بازرجویی درباره جرم را تفتیش می‌گویند (احمد القضا، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۴) شاید به همین جهت بوده که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ واژه مفتش را برای بازرسی بکار برده است. در زبان پارسی بازرسی به معنا و مفهوم کاویدن، نیک جستجو کردن، بررسی کردن، نظر کردن در ظاهر چیزی و مانند آن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۴۵) همچنین به تفحص کردن، بازرسیدن، بازجستن، واپژوهیدن، نیک جستجو کردن، (معین، ۱۳۷۵) پیگیری، واریسی (سیاح، ۱۳۷۳) اطلاق می‌شود و برای جستجو کردن لازم است، اشیاء را جابه‌جا کرد و تفحص نمود (دهخدا، ۱۳۴۲) بنابراین به نظر می‌رسد واژه‌ی بازرسی واژه‌ای رساتر از واژه‌ی تازی تفتیش است. تفتیش در اصطلاح آیین دادرسی کیفری به معنی جستجو و بازرسی منازل و اماکن و اشیاء به منظور شناسایی و دستگیری متهم یا کشف اسباب و آلات و دلایل جرم می‌باشد (حسنی، ۱۳۹۶: ۱۲).

انواع بازرسی و تفتیش

تفتیش کیفری با انواع دیگری که دارای ویژگی و صفت پژوهش و تحقیق نیستند مانند تفتیش پیشگیرانه و اداری فرق می‌کند که در زیر به توضیح این نوع تفتیش‌ها می‌پردازیم.

۱- تفتیش کیفری

در تفتیش کیفری، تفتیش و بازرسی به منظور کشف جرم و تعقیب متهم و کشف و جمع‌آوری آلات

و ادوات جرم صورت می‌گیرد. تفتیش کیفری به عنوان یکی از اقدامات تحقیقات مقدماتی که در آیین دادرسی کیفری مورد نظر می‌باشد مقید به پاره‌ای از ضوابط و شرایط می‌باشد. برخی از این ضوابط و شرایط مربوط به قبل از انجام تفتیش و لازمه آن می‌باشد؛ به عبارت دیگر برخی شرایط باید مهیا گردد تا امر تفتیش لازم گردد. وقتی امر تفتیش لازم گردید انجام آن مستلزم رعایت ضوابط و شرایط دیگر می‌باشد (حسنی، ۱۳۹۶: ۱۹).

۲- تفتیش غیر کیفری

این نوع تفتیش دارای ویژگی و صفت پژوهش نمی‌باشد مانند تفتیش پیشگیرانه و اداری که در زیر به توضیح این نوع تفتیش‌ها می‌پردازیم.

۲-۱- تفتیش پیشگیرانه

این تفتیش همان بازرسی‌ای است که افراد پلیس در اثنای توقیف اشخاص خطرناک برای امنیت جامعه و دستیابی به مجرمین با هدف جدا کردن اسلحه و ابزار و مواد موجود نزد آنها انجام می‌دهند تا آنها را در برابر ماموران پلیس و یا علیه دیگران به کار نگیرند. از این نمونه است تفتیش افراد قبل از تحویل آنها به بازداشتگاه برای رو به رو شدن با مقام تحقیق، برای جلوگیری از انجام اعمال تجاوزگرانه علیه دیگران (بوسیله اسلحه‌ای که در اختیار دارند) و همچنین جلوگیری از فرار آنان (ناظمیان، ۱۳۹۱: ۱۰).

هدف این نوع تفتیش، پیشگیری قبل از وقوع جرم می‌باشد لذا از اعمال اقدامات تحقیقات به شمار نمی‌رود، زیرا هدف، جلوگیری و ممانعت از فرد مورد تفتیش و به کارگیری اسلحه و ابزاری که حمل می‌کند می‌باشد. پس تفتیش پیشگیرانه به هدف ضبط مواد مربوط به جرم در منزل یا نزد فردی که جرمی مرتکب شده است، نیست، بلکه هدف از آن، ضمانت اجرا بخشیدن به ممنوعیت‌های قانونی در حمل اسلحه یا سایر وسایل و اشیای خطرناک است.^۱ فرار زندانی و تعقیب افراد پلیس و دستگیری و تفتیش وی، بازرسی تحقیقاتی نیست مادامی که هدف از آن، پیشگیری از استفاده از سلاحی باشد که به هدف تسهیل فرار و یا آسیب رساندن و تجاوز علیه دیگران به همراه دارد (حسنی، ۱۳۹۶: ۲۰).

۲-۲- تفتیش اداری

تفتیش اداری تفتیشی است که مقامات اداری دولت بر طبق مقررات و قوانین به هدف تضمین امنیت و منفعت عمومی و یا مانع شدن از وقوع جرم انجام می‌دهند. این تفتیش به معنایی که از قانون آیین دادرسی کیفری فهمیده می‌شود نیست. زیرا با هدف تحقیق در مورد دلایل معین جرم انجام نمی‌گیرد بلکه هدف از

۱- ماده ۱ و ۲ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح، مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶.

آن نظارت بر حسن انجام امور یا جلوگیری از خطرات معین است و بنابراین، اجتماع شرایط لازم برای تفتیش تحقیقاتی در مورد آن شرط نیست. به عنوان مثال می توان به تفتیش کارگران و وارد شونده‌گان و خارج شونده‌گان از برخی موسسات مهم و نیز تفتیش گمرگی اشاره کرد (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

تفاوتی که بین تفتیش اداری و پیشگیرانه وجود دارد این است که در تفتیش پیشگیرانه ابزار، مواد و به طور کلی شی‌ای که از افراد جدا می‌شود از جمله اشیایی است که صرف به همراه داشتن آن جرم می‌باشد. (از نوع جرایم مانع یا بازدارنده) و جدا ساختن این اشیاء به قصد جلوگیری از وقوع جرایم مهم‌تر صورت می‌گیرد. مثلا حمل سلاح اعم از سرد یا گرم، جرم است. در تفتیش پیشگیرانه اسلحه از فرد جدا می‌شود تا از ارتکاب جرم مهم‌تر مثل قتل جلوگیری شود، همچنین در خصوص مشروبات الکلی و مواد مخدر. اما در تفتیش اداری شی‌ای که از فرد جدا می‌شود لزوماً به همراه داشتن آن جرم نیست. مثلا در ورودی برخی از سازمان‌ها و موسسات مهم نوشته شده است (استفاده از تلفن همراه در این مکان ممنوع می‌باشد) و معمولا مامور مربوطه در آستانه ورود به این مکان‌ها به تفتیش بدنی اقدام نموده و تلفن همراه افراد را از آن‌ها جدا ساخته و به صورت امانت در صندوق نگه می‌دارد تا هنگام خروج به صاحب آن مسترد دارد. لذا علی‌رغم این که داشتن تلفن همراه جرم نمی‌باشد ولی به منظور رعایت مقررات در تفتیش از افراد جدا می‌شود (حسنی، ۱۳۹۶: ۲۱).

اهداف بازرسی و تفتیش

هر کدام از اقسام بازرسی و تفتیش در پی اهداف ویژه و خاص خود هستند. از سویی، در سیستم‌های حقوقی گوناگون و سیستم‌های بازرسی شناخته شده اهداف مختلفی برای بازرسی عنوان شده است. منظور از اهداف در این قسمت، توجیهاتی هستند که برای انجام بازرسی و تفتیش طرح می‌شوند. این توجیهات یا اهداف عبارت‌اند از: (ندائی، ۱۳۹۲: ۷).

۱- پیشگیری از وقوع جرم

گاه هدف از بازرسی و تفتیش، به ویژه در بازرسی‌های بدنی، پیشگیری از جرم است به عنوان مثال یکی از جهات توجیه تفتیش و بازرسی بدنی، در ورودی مجتمع‌های قضایی در کشور ما، این است که این تفتیش و بازرسی‌ها با هدف پیشگیری از وقوع بزه صورت می‌گیرد و می‌خواهند از طریق این نوع از تفتیش و بازرسی‌ها جلوی حمل و ورود اسلحه سرد یا گرم یا هر چیز خطرناک را که ممکن است برخی افراد برای اعتراض علیه قضات یا طرف دعوی یا هر فرد دیگر بکار برند، بگیرد. نمونه‌ی دیگر که می‌توان عنوان نمود، تفتیش و بازرسی افراد پیش از وارد کردن آنها به بازداشتگاه یا زندان است تا از هر گونه اقدام خطر آفرین علیه خود یا دیگری پیشگیری شود. لذا بازرسی و تفتیش‌هایی که پلیس در خیابان انجام می‌دهند با این هدف توجیه گردیده است (احمد القضا، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

۲- کشف جرم

در ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از اهداف بازرسی و تفتیش «کشف جرم» عنوان شده است. این مفهوم از مواد ۱۵۴ و ۱۴۷ قانون مذکور نیز به دست می‌آید لیکن این مفهوم در قوانین ما تعریف نشده و مفهوم روشنی ندارد. به نظر می‌رسد منظور از کشف جرم با توجه به مفهوم کلمه کشف به معنی «نمودار ساختن و پرده برداشتن از چیزی که در پنهان و خفا بوده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۵۷)» می‌باشد آشکار کردن بزه‌ی است که به صورت غیر مشهود اتفاق افتاده و یا در حال وقوع است. به عبارتی، یکی از اهداف بازرسی و تفتیش آن است، بزه‌ی را که در جایی مشخص به وقوع پیوسته یا در حال وقوع است را آشکار کند.

۳- شناسایی و دستگیری متهم یا بزه‌کار

با توجه به ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، که حضور متهم یا کشف اسباب را یکی از علل و اهداف تفتیش و بازرسی یاد کرده است عنوان می‌دارد که قاضی نباید دستور تفتیش و بازرسی منازل و اماکن را صادر نماید مگر در مواردی که حسب دلایل، ظن قوی به حضور متهم در آن محل یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد.^۱ همچنین طبق بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی یکی از جهات با اهداف بازرسی و تفتیش، دستگیری متهم فراری است. باید در نظر داشته باشیم که تفتیش به منظور شناسایی و دستگیری متهم، با جلب متهم با اذن ورود به مخفیگاه متفاوت می‌باشد. در مواردی قاضی دستور جلب متهم با اذن ورود به مخفیگاه را صادر می‌نماید که حسب گزارش مورد وثوق مامورین کلانتری، متهمی که دستور جلب وی صادر شده است، در منزل یا مکان خاصی حضور دارد و خود را از دید مامورین مخفی می‌نماید. در چنین مواردی قاضی به منظور جلب متهم ناگزیر به صدور مجوز ورود به منزل می‌باشد. همچنین در مورد جلب متهم با اذن ورود به مخفیگاه، مامور حق تفتیش و بازرسی منزل یا مکان مورد نظر را ندارد؛ مثلاً در صورتی که مامور هنگام ورود به منزل متهم را نیافت حق ندارد به جستجو در داخل کمدها بپردازد (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۱۵).

بین بازرسی و تفتیش با هدف دستگیری متهم یا بزه‌کار با تفتیش و بازرسی به منظور به دست آوردن ادله و آثار و علائم و ابزار بزه تفاوت وجود دارد. در مورد نخست، هدف از بازرسی و تفتیش دستیابی به شخص است در حالی که در دومی، هدف؛ دستیابی به اشیاء، آثار و علائم مربوط به بزه و گاه ضبط و توقیف آن‌هاست (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

۴- کشف اسباب، آلات و دلایل جرم

تفتیش ممکن است به منظور جمع‌آوری دلایل مادی جرم یا شواهد عینی از قبیل آثار انگشت، خون، اسپرم، مو، اسلحه، گلوله، پوکه، خط، امضا و غیره صورت گیرد. دلایل مادی یا فیزیکی یا شواهد عینی دلایل اند

که در عالم مادی وجود خارجی دارند و قابل لمس و مشاهده می‌باشند و طبعاً این قبیل دلایل قابلیت ارائه و استناد داشته و رد و انکار آن‌ها نیز ممکن نیست (حسنی، ۱۳۹۶: ۲۳).

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در مواد گوناگون به ویژه در فصل پنجم از بخش دوم مربوط به تفتیش و بازرسی (مواد ۱۳۷ تا ۱۵۵)، بارها واژگان اشیاء علائم، آثار، آلات و ادوات، اسباب و... را بدون آن که تعریفی دقیق و روشن از این واژگان ارائه بدهد به کار برده است. بطوری که گاه گمان می‌رود که این واژگان برابر یکدیگرند. در نگاشته‌های آیین دادرسی کیفری نیز شناسه‌ای برای جداسازی واژگان مزبور یافت نگردید. به هر حال یکی از اهداف بازرسی و تفتیش در قوانین کشور ما و قوانین سایر کشورها، دستیابی به موارد بالا یاد شده است. به نظر می‌رسد، اکنون تشخیص این که چه چیزی جزء آلات، ادوات، علائم و اشیاء مربوط به بزه است با مقامی است که تفتیش و بازرسی را دستور می‌دهد یا اجرا می‌کند. همچنین در بزه بر اموال به ویژه بزه سرقت در صورتی که شرایط دیگر فراهم باشد دستور بازرسی و تفتیش برای دستیابی به مال مسروقه در خور پذیرش است. همچنین داده‌ها و اطلاعات در برخی بزه‌های رایج‌های و... (ندائی، ۱۳۹۲: ۹).

۵- دستیابی به بزه دیده

این هدف در قوانین ایران تصریح نشده است لیکن با توجه به ویژگی برخی جرائم این هدف از مواد گوناگون برداشت می‌شود. برابر مواد ۵۸۳ و ۶۲۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ توقیف یا حبس غیرقانونی افراد و آدم ربایی جرم است. با توجه به ویژگی این جرم‌ها، که بزه‌کار، بزه دیده را در مکانی خاص نگهداری می‌کند در صورت فراهم بودن شرایط، دستور بازرسی و تفتیش برای یافتن بزه دیده منطقی خواهد بود (الهی‌منش، پایان و خدنگ، ۱۳۹۷: ۳۱).

۶- جلوگیری از امحای نشانه‌های بزه

برخی جلوگیری از امحای آنچه که مربوط به بزه است را از اهداف بازرسی و تفتیش دانسته‌اند (رجبی، ۱۳۸۹: ۲۰). تفاوت این هدف با هدف پیش این است که در اینجا حفظ علائم و آثار بزه و پیشگیری از نابودی یا غیرقابل استناد شدن آنها مورد نظر است، نه یافتن علائم، آثار و دلایل و... بزه (رجبی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۲).

بازرسی و تفتیش اماکن

بازرسی و تفتیش اماکن خود به دسته‌های مختلفی قابل تقسیم است که نگارنده این مبحث را در دو مقوله تفتیش و بازرسی منازل و تفتیش و بازرسی اماکن عمومی و دولتی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱- بازرسی و تفتیش منازل

در میان اقسام تفتیش و بازرسی‌ها، تفتیش منزل، مسکن، خانه، اقامتگاه و محل‌های شبیه به آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برای قانون‌گذاران (ملی و بین‌المللی) برخوردار است. بطوری که قریب به اتفاق قوانین اساسی

و اکثر اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر ممنوعیت یا مصونیت منزل از تفتیش تأکیدی ویژه کرده‌اند. اصل ۲۲ قانون اساسی ایران مقرر کرده: «مسکن اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مقرر داشته: «خانه هیچکس نباید در معرض مداخله‌ی خودسرانه قرار گیرد هر کس حق دارد در برابر این گونه مداخلات و تعرضات از حمایت قانونی برخوردار باشد.» اما ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی همین عبارات را در خصوص واژه اقامتگاه بکار برده است. ماده ۱۸ (ج) اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه‌ی ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

مطابق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه‌ی موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.» آن چیزی که در این ماده برای تفتیش و بازرسی منازل دارای اهمیت است اجازه‌ی موردی مقام قضایی می‌باشد اعم از این که این اجازه شفاهی باشد یا کتبی، البته کتبی بودن دستور برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده اولی است؛ النهایه در مواردی که فوریت امر ضرورت دارد و دسترسی فوری به قاضی جهت اخذ دستور مقام قضایی به طور کتبی ممکن نیست، اجازه با انعکاس ساعت تماس، شماره تماس و مشخصات مقام قضایی دستور دهنده و فرد دستور گیرنده در صورت مجلس بلاشکال است مشروط بر این که هویت گیرنده تماس و نیز هویت مقام قضایی دستور دهنده، محل تردید نباشد (نظریه شماره ۷/۲۲۸۹ - ۸۷/۴/۱۷ - اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

با توجه به صراحت ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، وظیفه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل و یافتن ادله و اسباب جرم که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، این است که ادله مذکور را حفظ نموده و صورتمجلس نمایند. لکن به نظر می‌رسد چنانچه، آثار جرمی واجد شرایط مقرر در ماده مذکور نباشد، یعنی تهدید کننده امنیت عمومی نباشد، تکلیفی بر عهده ضابطان از حیث حفظ ادله و آثار و اسباب جرم نیست. اما چنانچه مأمورین دلایل جرمی را که تهدید کننده امنیت جامعه نیست، جمع‌آوری و به دادستان گزارش نمایند، چنانچه جرم اعلام شده از جمله جرائم عمومی باشد، دادستان دستور تعقیب صادر، اما مأمور به لحاظ ارتکاب تخلف، تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. در مورد ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز هر چند به اقرار حاصله بر اساس قانون (اصل ۳۸ قانون اساسی) نمی‌توان اعتبار اثباتی قایل گردید، اما در صورت گزارش ضابطان به شرح فوق الذکر عمل می‌گردد (نظریه شماره ۷/۹۳/۱۲۳۱ - ۹۳/۵/۲۵ - اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

مستفاد از ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲^۱ و اصلاحات و الحاقات بعدی، این است که ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل که به منظور بازرسی از آنجا صورت می‌پذیرد، اصل دستور قضایی را به متصرف محل، نشان داده و مراتب مزبور را در صورت مجلس قید نمایند و ضرورت رعایت حریم خصوصی اشخاص و تأکید موازین شرعی و نیز اصل ۲۲ قانون اساسی بر حفظ حرمت منازل و همچنین لحاظ مواد ۷ و ۵۴ قانون فوق الذکر، ایجاب می‌نماید که در ورود به منازل اشخاص و بازرسی از آن، ترتیب مشخص شده در قانون، دقیقاً مراعات گردد. بنابراین ورود به منازل و انجام بازرسی توسط ضابطان به صرف دستور شفاهی مقام قضایی، بر خلاف ترتیب مقرر قانونی در لزوم ارائه اصل دستور قضایی که ناظر به مکتوب بودن آن است، می‌باشد که می‌باید از آن، پرهیز گردد (نظریه شماره ۷/۹۴/۲۴۹۸-۱۶/۹۴/۹۴-۱۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

۲- بازرسی و تفتیش اماکن عمومی و دولتی

اماکن جمع‌امکنه و جمع‌الجمع مکان (عمید، ۱۳۷۴: ۲۶۹)، به معنی جاها و سرزمین‌ها (معین، ۱۳۷۱: ۳۶)، اماکن عمومی جاهای همگانی مانند مسجد، تماشاخانه، مهمانخانه (عمید، ۱۳۷۴: ۲۶۹)، که ورود همگان به آن اماکن آزاد است، می‌باشد. از آنجایی که ممکن است بزه در اماکن دولتی (در مفهوم عام آن انجام شود بر این اساس ممکن است تفتیش و بازرسی کیفری این اماکن نیز ضرورت یابد.

۲-۱- بازرسی و تفتیش اماکن عمومی

اماکن عمومی ممکن است عمومی بالذات باشد، مانند مسجد که ذاتاً عمومی می‌باشد و همگان می‌توانند در آن محل وارد شوند. برخی اماکن، عمومی بالعرض هستند؛ یعنی برای مکان عمومی ساخته نشده ولی استفاده مکان عمومی از آن می‌شود مانند خانه‌ای که برای کار مدرسه اختصاص داده شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۷۸). مکان عمومی ممکن است بر حسب تصادف، عمومی شود مانند خانه‌ای که دچار حریق شده و در آن باز و خلق کثیر به داخل آن راه یافته باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۷۸).

با عنایت به اینکه شرکت‌ها را به طور کلی نمی‌توان از اماکن عمومی دانست، لذا طبق ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تفتیش و بازرسی از آن‌ها مستلزم داشتن مجوز قضایی است (نظریه شماره ۷/۶۲۸۰-۲۳/۸/۱۰۸/۲۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه) و چون شرکت‌های تجاری نوعاً در محل‌هایی استقرار دارند که ورود و خروج به آن‌ها برای غیر افرادی که در زمره مشتریان و مراجعان شرکت‌ها هستند، مجاز نمی‌باشد و نظر به

۱. ماده ۵۸ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.»

این که پرسنل نیروی انتظامی نیز از این قاعده مستثنی نخواهند بود، و لذا برای ورود به این اماکن نیز به نظر می‌رسد نیاز به اخذ اجازه مخصوص مقام قضایی یا اذن مدیر این چنین اماکن باشد (نظریه شماره ۷/۲۴۹۹-۸۷/۴/۲۹ اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

متصرفین قانونی یا متصدیان اماکن عمومی بالعرض مکلفاند در صورت دستور قضایی قفل در محل‌ها و اشیای بسته را باز کنند. برابر ماده‌ی (۱۴۵) قانون آیین دادرسی کیفری که اختصاص به اماکن عمومی بالعرض و اماکن خصوصی و اداری دارد «در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیای مورد بازرسی، از باز کردن محلها و اشیای بسته خودداری کند، باز پرس می‌تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد خودداری شود».

برابر ماده‌ی (۱۴۴) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «در صورت ضرورت، باز پرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی و در حکم ضابط دادگستری است». لذا ممنوعیت ورود و خروج به اماکن تحت تفتیش و بازرسی در صورت ضرورت جایز است. «به عنوان مثال دلایل و قراینی وجود دارد که اسلحه یا دیگر آلات جرم به داخل سینما برده شده ولی مشخص نیست در اختیار تماشاچیان است و یا اشخاص دیگر یا مثلا سارق برای فرار از مأمورین با اخذ بلیط داخل سینما شده، قاضی می‌تواند دستور دهد که افراد داخل سینما تا انجام تفتیش و بازرسی خارج نشوند یا افراد دیگری وارد نگردند» (مدنی، ۱۳۸۵: ۳۲۰-۳۳۱).

۲-۲- بازرسی و تفتیش اماکن دولتی

مطابق ماده‌ی (۱۵۳) قانون یاد شده «مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادها و شرکت‌های وابسته به آنها، سازمان‌های نظامی و انتظامی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان قرار دهند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رئیس قوه قضائیه باشد. متخلف از این ماده در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم می‌شود» (الهی‌منش، پایان و خدنگ، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

تفتیش و بازرسی منزل و محل سکونای افراد مطابق ابتدای ماده (۱۴۲) باید در حضور متصرف یا ارشد حاضران با رعایت موازین شرعی و قانونی صورت گیرد با الهام از این اصل تفتیش و بازرسی اماکن دولتی نیز

باید در حضور بالاترین مقام حاضر صورت گیرد. همانطور که مستحضرید مطابق ماده (۷۲) قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین ماده (۶۰۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، مقامات اماکن اداری موظف و مکلفند وقوع جرم در حوزه کاری خود را به دادستان اعلام کنند. بنابراین در صورتیکه این اماکن نیاز به تفتیش و بازرسی داشته باشد باید در حضور مقامات و مأمورین ارشد این اماکن صورت گیرد و به امضای آنان برسد که این اصل با الهام از صدر ماده ۱۴۲ قانون آ.د.ک ۱۳۹۳، از ماده (۱۵۳) قانون مزبور مستفاد می‌گردد (الهی‌منش، پایان و خدنگ، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

با توجه به ماده‌ی ۹۴ قانون ۱۲۹۰ و ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که تنها تفتیش و بازرسی منازل در روز را مورد حکم قرار داده و با عنایت به این که در مورد اماکن دولتی مفهوم حریم خصوصی حقوق و آزادی‌های اساسی، کرامت انسانی و مفاهیمی از این قبیل معنایی ندارد و بلکه نظارت بر حسن جریان امور در اماکن دولتی و برقراری نظم عمومی و اداری در این اماکن بیشتر صدق می‌کند باید بر آن بود که تفتیش و بازرسی این اماکن محدود به روز نبوده بلکه تفتیش و بازرسی این اماکن در هر ساعتی مجاز خواهد بود (الهی‌منش، پایان و خدنگ، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

پلیس ایران و وظایف آن به عنوان ضابط

در کشور ایران صرفاً ضابطان قضایی اجازه اجرای دستورات قضایی و تفتیش و بازرسی اماکن را دارند و کلیه مأموران پلیس چنین اختیاری را ندارند طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

بر اساس ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری عبارتند از:

الف - ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب - ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب

۱. ماده ۷۲ مقرر می‌دارد: «هر گاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرایم غیر قابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.»

۲. ماده ۶۰۶ مقرر می‌دارد: «هر یک از روسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از وقوع در سازمان یا موسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیتدار قضایی یا اداری اعلام ننمایند علاوه بر حبس از ۶ ماه تا ۲ سال به انفصال موقت از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»

اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.

طبق بند الف ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطان عام؛ شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوطه را دیده باشند، است. بنابراین، مقتن در قانون اخیر که پس از لازم الاجرا شدن، طبق ماده ۵۷۰ آن قانون ناسخ تمام قوانین مغایر قبلی است، در مقام ضابط بودن افراد مرتبط با نیروی انتظامی، فقط فرماندهان، افسران و درجه داران این نیرو را واجد این عنوان دانسته و حتی در تبصره همین ماده، کارکنان وظیفه را از شمول ضابط بودن خارج نموده است؛ لذا نمی‌توان هیچ فرد یا نهاد دیگری را که به نحوی وابسته به نیروی انتظامی است ضابط قوه قضاییه محسوب نمود و آنچه در بند ۵ ماده ۱۵ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ و بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به عنوان ضابطين خاص آمده، منصرف از نیروی انتظامی و وابستگان آن است، به علاوه در تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون استخدام ناجا مصوب ۱۳۸۲، به بهره‌گیری از مشاکت‌های مردمی در تحکیم و توسعه نظم و امنیت اجتماعی تحت عنوان «پلیس افتخاری» و پلیس محلی اشاره شده، از تعریف قانونی ضابطان دادگستری خارج است (نظریه شماره ۷/۹۳/۳۱۱۴ - ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

مستفاد از ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، این است که تعیین ضابطان دادگستری باید به موجب قانون صورت پذیرد و مأموران مربوط در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ضابط عام مطابق بند الف این ماده تعیین شده‌اند و ضابطان خاص در بند ب ماده ۲۹ قانون فوق الذکر، به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و منظور از قوانین خاص، مصوبات قوه مقننه است و لذا چنانچه در آیین‌نامه‌های اجرایی قانونی، خارج از اختیارات مقام وضع‌کننده آیین‌نامه، شخص یا اشخاصی به عنوان ضابط دادگستری تعیین شوند، این امر به معنای ضابط محسوب شدن اشخاص یاد شده نبود و مطابق اصل ۱۷۰ قانون اساسی هر شخصی می‌تواند تقاضای ابطال آیین‌نامه مزبور را از دیوان عدالت اداری نماید، همچنین وفق اصل قانون یاد شده، قضات نیز مکلف‌اند، از اجرای آیین‌نامه خلاف قانون خودداری نمایند (نظریه شماره ۷/۹۴/۳۴۰۶ - ۱۳۹۴/۱۲/۰۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.^۱

مأموران زیر پس از کسب مهارت‌های لازم و اخذ کارت مربوط ضابط نظامی می‌باشند^۱ :

الف - مأموران دژبان نیروهای مسلح

ب - مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی

پ - مأموران بازرسی و قضائی نیروهای مسلح

ت - فرماندهان، افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی

ث - افسران و درجه داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صوت عدم حضور سایر ضابطان نظامی

ج - مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱ - رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضائی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۲ - کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسوولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسوولیت نافی مسوولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳ - اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضائی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی مربوط است.

طبق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ انجام وظایفی که به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل :

الف - مبارزه با مواد مخدر.

ب - مبارزه با قاچاق.

ج - مبارزه با منکرات و فساد.

د - پیشگیری از وقوع جرایم.

ه - کشف جرایم.

و - بازرسی و تحقیق.

ز - حفظ آثار و دلایل جرم.

ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آن‌ها.

ط - اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

می‌باشد که با توجه به بند «و» بازرسی جزئی از شرح وظایف مأمورین نیروی انتظامی است.

ضابطین دادگستری از جمله نیروی انتظامی مکلف به انجام وظایف قانونی محوله تحت ریاست، نظارت و تعلیمات دادستان و سایر مراجع قضایی ذی صلاح می‌باشد و در صورت ارتکاب جرم و تخلف و تمرد از دستورات

۱. ماده ۶۰۳ ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲.

مقامات مذکور به حکم قسمت دوم اصل ۱۷۲ قانون اساسی و تبصره ۲ ماده یک قانون دادرسی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۴ مرجع رسیدگی اتهامات و جرایم آنان به عنوان ضابط دادگستری، دادرسی عمومی و انقلاب دادگاه عمومی محل وقوع بزه است (رای شماره ه-۳۷۹/۸۲ مورخ ۸۲/۶/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری). در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نه فقط در جرایم مشهود اختیارات وسیع تری برای ضابطین دادگستری منظور شده است، بلکه ضابطین مکلف شده‌اند تا قبل از مداخله مقام تعقیب یا تحقیق، کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار جرم، فرار متهم، و کلاه هرگونه تحقیق یا اقدامی که ضروری باشد به عمل آورده، نتیجه تحقیقات خود را به اطلاع مقام تعقیب (اعم از رئیس حوزه قضایی یا دادستان) برسانند (حسنی، ۱۳۹۶: ۶۹).

پلیس انگلستان و وظایف آن به عنوان ضابط

در همه کشورها از نیروی پلیس جهت استقرار نظم و امنیت در جامعه و تعقیب و پیگرد متهمان استفاده می‌شود. سازمان پلیس دارای اهمیت و حساسیت بسیار ویژه‌ای است و قانون گذاران مختلف به دقت جزئیات امور این نهاد را زیر نظر دارند. (کشفی، ۱۳۷۷: ۴) در واقع سازمان پلیس دارای یک ماهیت صرفاً انتظامی نیست بلکه واجد ابعاد بسیار مهم سیاسی، اجتماعی و امنیتی است و به عنوان خط مقدم و نوک پیکان درگیری یک نظام سیاسی و حقوقی در مقابل مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و ... ایفای نقش می‌کند (میری، ۱۳۹۰: ۲۱۱). در سیستم‌های حقوقی مبتنی بر نظام کامن لا مانند سیستم انگلستان، تا قرن‌ها بزه دیده عهده دار تعقیب بوده است و هیچ نهاد دیگری برای انجام این مهم وجود نداشته است. با گذشت زمان، پلیس به طور روز افزونی در امر تعقیب درگیر شد و زمانی که پلیس در ابتدای قرن نوزدهم به صورت سازمان یافته تشکیل شد، انتظار از پلیس آن بود که علاوه بر کشف جرم و دستگیری افراد مظنون، آغاز به تعقیب را نیز عهده دار شود. بدین روی در این کشور تنها نهاد تعقیب کیفری پلیس بود و تا مدت‌ها از نهاد دیگری به نام دادسرا خبری نبود. اما در اواسط دهه ۱۹۸۰ شیوه تعقیب در انگلستان و ولز دستخوش تغییر گردید و نهاد مستقل تعقیب ایجاد شده و رو به گسترش نهاد (اندرو و ردماین^۱، ۲۰۰۴: ۱۷۵). پس ملاحظه می‌شود نهاد تعقیب در انگلستان اکنون شامل پلیس و دادسرا است. پلیس در کشور انگلستان از حق تشخیص قابل توجهی در خصوص تعقیب کیفری برخوردار است. پلیس در این کشور می‌تواند جرم را نادیده انگارد و نسبت به مظنون احتیاط پیشه نماید یا آن که وی را متهم نموده و تصمیم به تعقیب وی بگیرد (اسلپر و کلی^۲، ۲۰۰۱: ۴۲۵). علت برخورداری پلیس از صلاحیت تشخیصی در کشور انگلستان، بهره مندی این نهاد از شأن تعقیب در برخی از جرایم می‌باشد (میری، ۱۳۹۰: ۷۲).

مسئولیت پلیس انگلیسی در زمینه حقوق کیفری متفاوت از وظایف همتای ایرانی خویش است و محدود به تحقیق در مورد جرایم نیست. در انگلستان این پلیس است که به عنوان یک نهاد و مرجع مستقل از دادستان عمومی تصمیم به آغاز تعقیب می‌گیرد (گودرزی و مقدادی، ۱۳۸۴: ۸۵).

1 - Andrew and Redmayne

2 - Slapper and Kelly

اختیارات اصلی و اساسی پلیس انگلستان در زمینه تعقیب کیفری، الهام گرفته از «قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴» و «آیین نامه اجرایی» آن می باشد. این قانون معمولاً به صورت مخفف تحت عنوان «PACE» شناسایی می شود. قانون مذکور دارای آیین نامه‌ای شامل پنج کد می باشد. کد A در ارتباط با اختیارات قانونی پلیس در زمینه توقیف و بازرسی است. کد B در مورد اختیارات پلیس در بازرسی از اماکن و ضبط اموال در آن محل. کد C آیین نامه در خصوص چگونگی رفتار و بازجویی از اشخاص توسط افسران پلیس است. کد D برای شناسایی اشخاص توسط پلیس است و بالاخره اینکه کد E در ارتباط با ضبط بازجویی‌ها توسط پلیس است. شایان ذکر است که قانون پلیس و ادله کیفری در نتیجه گزارش جامع انجام شده به وسیله کمیسیون سلطنتی فیلیس در ارتباط با آیین دادرسی کیفری تدوین شد. در انگلستان، پلیس در زمینه تعقیب جرایم از اختیارات گسترده و شفاف قانونی برخوردار است (بر خلاف سیستم عدالت کیفری ایران که پلیس در اکثر موارد به عنوان ضابط دستگاه قضایی و تحت تعلیمات دادستان انجام وظیفه می نماید) و می تواند اختیارات و وظایف خود را به صورت مستقل رهبری کند (میری، ۱۳۹۰: ۹۴).

ضابط^۱ پایین ترین رسته در نیروی پلیس انگلستان است، اما همه افسران، اعم از این که دارای درجه ضابط یا بالاتر باشند، دارای صلاحیت و اختیار قانونی هستند. صلاحیت افسران پلیس نیروهای پلیس سرزمینی در انگلستان و ولز از ماده ۳۰ قانون پلیس ۱۹۹۶ ناشی می شود. این ماده مشخص می کند که چه افسرانی دارای صلاحیت در سرتاسر انگلستان و ولز هستند. انگلستان حدود ۱۵۰ هزار نفر نیروی پلیس دارد که هر یک دارای اختیارات قانونی یک پلیس هستند.^۲ همچنین در انگلستان حدود ۱۴ هزار پلیس مخصوص (ضابطان خاص) به صورت روزمزد و پاره وقت خدمت می کنند. که دارای صلاحیت بسیار محدودی هستند که تنها مختص به مناطق خودشان بوده و با مرز نیروهای دیگر محدود می شود.^۳ از سال ۲۰۰۲ تعدادی افسر از میان مردم عادی به خدمت گرفته شده اند. اختیارات آنان کمتر از پلیس موظف است.^۴ از اول آوریل ۲۰۰۷ ضابطان خاص انگلستان و ولز، اختیارات تام پلیس را در این دو کشور به دست آوردند. بدین معنا که در مقایسه با اکثریت کشورها، امروزه همه نیروهای داوطلب بریتانیای کبیر، دقیقاً همان اختیارات پلیس‌های تمام وقت را دارند.^۵ در انگلستان علاوه بر «قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴»، قوانین دیگری نیز وجود دارند که اختیارات مشابهی را برای پلیس تصویب کرده‌اند از جمله آنها، «قانون مربوط به فروشگاه‌های عمومی مصوب ۱۸۷۵»^۶؛

1. Constable
2. Police Act 1996, S30.
3. www.homeoffice.gov.uk
4. Police Reform Act 2002, S38.
5. www.policespicals.com
6. public stores Act, 1875.

«قانون انرژی اتمی مصوب ۱۹۸۴»^۱، و «قانون بندر لندن مصوب ۱۹۶۸»^۲، همچنین «قانون امنیت پرواز مصوب ۱۹۸۲»^۳ می باشد.

همچنین مواد یک تا سه قانون PACE و آئین نامه A این قانون به تعیین حدود اختیارات پلیس در خصوص بازرسی می پردازد با مذاقه در مفاد این قانون و آئین نامه می توان گفت بازرسی در حقوق انگلستان به سه صورت انجام می پذیرد و آئین نامه B در مورد اختیارات پلیس و ضبط اموال در آن محل است (میری، ۱۳۹۰: ۹۴).

اقدامات و اختیارات قانونی پلیس انگلستان در بازرسی و تفتیش از اماکن

پلیس انگلستان در راستای بازرسی و تفتیش اماکن دارای اختیاراتی می باشد که می توان آن را به دو دسته اختیارات این نیرو در ورود به اماکن و اختیار آن پس از ورود در امر بازرسی اماکن تقسیم نمود.

۱- ورود به اماکن

بی گمان هر فرد باید دارای محلی باشد که در آن امنیت شخصی داشته باشد و در آن احساس آرامش کند. این محل باید از تعرض هر فرد یا مقامی مصون باشد زیرا که از حقوق مسلم افراد داشتن زندگی خصوصی و اقامتگاهی مصون از تعرض است. مقامات دولتی هر کشور نیز نه تنها نباید به این حریم تجاوز نمایند بلکه باید تمامی اقدامات لازم را جهت حفظ آن به عمل آورند. این حق افراد در اسناد مختلف بین المللی و منطقه ایی نیز مورد حمایت قرار گرفته است از جمله ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت بیان می دارد: «حدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله خود سرانه واقع شود...» (امیرارجمند، ۱۳۸۱: ۱۰۱ و ۷۴) همچنین ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (امیرارجمند، ۱۳۸۳: ۶۸۸) نیز به این امر پرداخته است.

قانونگذاران مختلف نیز به جهت حمایت از حق خلوت و مسکن شخصی افراد، اجازه ورود به مسکن افراد را تنها در موارد بسیار محدود و تحت ضوابط بسیار دقیق پذیرفته اند. حقوق انگلستان نیز جهت حفظ حقوق اساسی و بنیادین افراد ضوابطی را در قانون خود آورده اند که مورد بحث قرار می گیرد. پیش از ورود به بحث لازم است مفهوم آنچه به عنوان «اماکن»^۴ در انگلستان مد نظر است روشن گردد. طبق ماده ۲۵ قانون PACE مقصود از اماکن «هر مکانی»^۵ به ویژه اول، هر وسیله نقلیه، کشتی، هواپیما یا هاور کرافت، دوم، هر گونه تأسیسات داخل دریا^۶ و سوم، هر چادر یا بنا متحرک^۷ است.

1 . Atomic Energy Authority Act, 1954, s, 6.

2 . Port of London Act, 1968.

3 . Aviation Security Act, 1982, s, 17(1).

4 . Permisses

5 . any place

6 . Offshore installation

7 . moveable structure

در خصوص بازرسی از اماکن در حقوق انگلستان اختیارات صریح و شفافی وجود دارد. قانون پلیس و ادله کیفری، به پلیس انگلستان اختیار ورود به مکان‌های خصوصی را بدون حکم بازرسی اعطا کرده است. ماده ۸ قانون پلیس و ادله کیفری، یک اختیار کلی را برای قضات دادگاه صلح تعیین کرده است تا حکم بازرسی را برای پلیس، در مواردی که دلایل معقول با اعتقاد به این که جرم شدید قابل دستگیری ارتکاب یافته است، صادر نماید. پلیس باید دلایل معقول جهت ایجاد این امر را داشته باشد که ادله قابل قبول مرتبط با جرم در مکان مورد نظر یافت شود و اینکه: ۱- از نظر منطقی امکان پذیر نباشد که با شخصی که بتواند اجازه ورود به ملک را بدهد تماس گرفت، ۲- چنین شخصی به صورت غیرمنطقی از ورود پلیس به ملک و یا دستیابی به ادله جلوگیری کند، یا ۳- چنانچه پلیس تقاضای ورود بدون حکم ورود و بازرسی بنماید، باعث مخفی کردن، از بین بردن و یا صدمه به ادله شود (میری، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

۲- بازرسی اماکن و اشیاء

یکی از اقدامات رایج که در مراحل ابتدایی دادرسی انجام می‌گیرد، بازرسی‌های است که از اماکن و وسایل نقلیه جهت کشف جرم انجام می‌شود. برخی از اساتید حقوق، بازرسی^۱ را چنین تعریف کرده‌اند؛ «تفتیش، بررسی و بازرسی خانه، سایر محل‌های زندگی یا کار افراد یا وسایل مربوط به آنها مثل اتومبیل، قایق یا هواپیما برای کشف اقلام غیر قانونی یا اموال مسروقه یا مدارک و ادله ارتکاب جرم به منظور تعقیب دعوای جزایی ناشی از طرح اتهامات علیه افراد» (مهرا، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

در انگلستان اختیار بازرسی از جمله جنجالی‌ترین اختیارات پلیس است. از یک طرف این اختیار به پلیس اجازه انجام اعمالی را می‌دهد که می‌توان آن را برای جلوگیری و کشف جرم ضروری دانست و از طرف دیگر این اختیارات موجب ایجاد پتانسیل برای سوء استفاده و اذیت و آزار گروه‌های اقلیت می‌شود. تا پیش از سال ۱۹۸۴ اختیارات گسترده‌ای برای پلیس در زمینه بازرسی وجود داشت که با معیارهای متفاوت و در موقعیت‌های مختلف و توسط اشخاص متفاوت قابل اعمال بود، ولی کمیسیون سلطنتی^۲ در رابطه با این اختیارات اظهار نگرانی کرد و با ارائه پیشنهادهای، اختیارات کلی بازرسی در قانون پلیس و ادله کیفری تدوین شد. ماده ۱ PACE مقرر می‌دارد؛ «هر شخص یا وسیله نقلیه‌ای ممکن است متوقف شده و توسط پلیس مورد بازرسی قرار گیرد، به شرط این که پلیس دلیل معقولی برای ظن داشته باشد، مثلاً بتواند با این بازرسی اشیاء مسروقه یا ممنوعه‌ای را کشف کند.»^۳

1. Search
2. Royal Commission.
3. Section 163 of The Road Traffic Act 1988 provides uniformed constables and traffic officers with a general power to require a person driving a vehicle on a road to stop. It does not in itself authorize the detention or search of the vehicle, though in some circumstances the power to detention may be implied by the courts.

بحث بازرسی از اماکن، بی گمان در مرحله بعد از ورود مأمورین به مکان مورد نظر قرار دارد. اگر اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهای مختلف نسبت به ورود به مکان‌های در تصرف افراد حساسیت داشته و دارند، این امر به طریق اولی در خصوص بازرسی‌هایی که از این اماکن به عمل می‌آید بیشتر جلوه می‌نماید. لذا، قوانین کشورهای مختلف در جهت ضابطه مند نمودن این بازرسی‌ها موارد مختلفی را پیش‌بینی کرده‌اند، مانند این که این بازرسی‌ها باید محدود و تنها برای یافتن ادله جرم و بدون در هم ریختن بیش از ضرورت مکان و با رعایت حال متصرفین صورت پذیرد. این مبحث بر آن است که به بررسی تفصیلی این ضوابط در حقوق ایران و انگلستان بپردازد.

شیوه بازرسی از اماکن و اموال در حقوق انگلستان

در خصوص شیوه بازرسی، بند ۳ ماده ۲ قانون PACE اشعار می‌دارد «مأموری که قصد ایست و بازرسی دارد باید نام خود و کلانتری مربوط و موضوع بازرسی و دلایل انجام این کار را بیان نمایند» (میری، ۱۳۹۰: ۱۰۹). اگر چه پلیس می‌تواند خواه با رضایت و خواه با اجازه قانون و خواه به موجب قرار، جهت بازرسی وارد اماکن شود و یا عندالاقضا اموالی را ضبط نماید. لیکن پلیس باید در این بازرسی مواردی را رعایت نماید (یکرنگی، ۱۳۸۵: ۷۶).

مهمترین امری که مأمور باید در هنگام بازرسی رعایت نماید در پاراگراف ۱۰/۶ آیین نامه B آمده است. طبق این بند بازرسی باید با رعایت اموال و حریم خصوصی ساکنین و بدون جابجا کردن بیش از اندازه‌ای که لازم است صورت پذیرد (یکرنگی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۷).

همچنین در مواردی که استفاده از قوه قهریه لازم است نباید از این دو بیش از حداقل مورد نیاز استفاده نمود.^۱ همچنین در کامن لو برای سال‌ها این امر که پلیس نمی‌تواند منزل اشخاص را به طور کلی جهت کسب دلایل علیه وی جستجو نماید، موضوعی اساسی تلقی می‌گشت. لذا ورود به هر مکانی جهت بازرسی باید همواره به قصد مشخص و با دلایل کافی باشد. به همین جهت ماده (۸) ۱۶ قانون PACE عنوان داشته، بازرسی‌هایی که به موجب قرار صورت می‌گیرد باید تنها به مواردی که در قرار آمده محدود گردد (یکرنگی، ۱۳۸۵: ۷۷).

نکته دیگر آن که ورود و بازرسی باید در زمان معقولی از روز صورت گیرد مگر به عقیده مأموری که این بازرسی را انجام می‌دهد مبرهن گردد که در صورت انجام بازرسی در ساعات معقولی از روز، دلایل مضمونیت از بین می‌رود.^۲ همچنین بازرسی به موجب قرار نمی‌تواند تا زمانی که شکی مذکور در قرار یافت شود ادامه یابد.^۳

1 . Code of practice B, para6.6

2 . sec.16(4), PACE (1984)

3 . Code of practice B, para6.9

نتیجه گیری

با عنایت به آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت نتایج ذیل به دست آمد:

۱- قانون آیین دادرسی کیفری برای تفتیش و بازرسی از اماکن، اشیاء و اشخاص قواعد و تشریفات را مقرر کرده است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت لیکن مقررات وضع شده دارای نواقص، ابهام و اشکال می‌باشند. با عنایت به اینکه قانونگذاری در امور کیفری ایجاب می‌کند که در مرحله نخست مفاهیم و اصطلاحات بکار برده شده، به صراحت و روشنی تعریف شوند تا از سوء استفاده جلوگیری کرده و همچنین معیاری منطقی برای مقامات قضایی و ضابطان دادگستری تعیین گردد.

۲- در حقوق ایران در صورتی که ضابطان دادگستری شرایط و تشریفات مربوط به بازرسی و تفتیش ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری را رعایت نکنند طبق ماده ۶۳ همین قانون به سه ماه تا یک سال انفسال از خدمات دولتی محکوم می‌شوند لیکن در خصوص عدم رعایت ضوابط مواد ۵۶ و ۵۷ قانون یاد شده ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده است و هیچگونه تصریحی در مورد ابطال دلایل بدست آمده از طریق بازرسی و تفتیش غیر قانونی وجود ندارد و فقط از ضمانت اجرای کیفری برای مأمور متخلف استفاده شده است.

۳- در حقوق کیفری انگلستان برای عدم رعایت تشریفات مربوط به بازرسی و تفتیش ضمانت اجرای بطلان پیش‌بینی شده است و این بطلان‌ها به بطلان‌های قانونی مرسوم‌اند که در قانون PACE (قانون پلیس و ادله کیفری) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن که از مهم‌ترین مقررات در حوزه حقوق کیفری انگلستان هستند در آیین‌نامه A (در مورد ایست و بازرسی) و آیین‌نامه B (راجع به بازرسی اماکن و توقیف اموال) اختیارات قانونی عنوان شده است و در ماده ۵۱ در مورد نحوه بازرسی از اسناد و مدارک، ماده ۵۱ به بازرسی از دفتر و کیل دادگستری و ماده ۵۷ به حضور اشخاص ذینفع در بازرسی اشاره دارد که در ماده ۵۳ بیان شده است در صورت رعایت نکردن مقررات مواد ۵۷ و ۵۱ ضمانت اجرای بطلان پیش‌بینی شده است.

References

1. Ebn Manzour, "The Arabic Language", 1st Edition, Vol.1, 1988.
2. Spenser, J, R, "Criminal Proceedings Law in England", Translated by Goudarzi, Mohammad Reza boroujerdi and Lela Meghdadi, Jangal Publications, 1384.
3. Ashouri Mohammad, "Criminal Proceedings Law", Vol.2, Samt Publications, 1st Edition, 1379.
4. Ashouri Mohammad, "Criminal Proceedings Law", Vol.2, Samt Publications, 2nd Edition, 1380.
5. Ashouri Mohammad, "Criminal Proceedings Law", Vol.2, Samt Publications, 4th Edition, 1387.
6. Elahi Manesh, Mohammad Reza, Payan Vahid and Khadang Masoumeh, "Principles of Inspection and Search in Criminal Proceedings Law", Tehran, Majd Publications, 1397.
7. Amir Arjomand Ardeshir (Translator), "European Convention on Protecting Human Rights and Essential Freedom and Its Annexes", Criminal Sciences (Convention Proceedings in Commemorating DR. Ashouri), Samt Publications, 1383.
8. Jafari Langeroudi, Mohammad Jafar, "Law Terminology", Ganje Danesh Publications, 18th Edition, 1386.
9. Jafari Langeroudi, Mohammad Jafar, "Law Terminology", Ganje Danesh Publications, 6th Edition, 1372.
10. Hasani Zarbanou, "Search of Places and Detecting Crime Tools and Devices", Tehran Farhoush Publications, 1st Edition, 1396.
11. Dekhoda Ali Akbar, "Glossary", Vol.5, Tehran University Publications, 1345.
12. Dekhoda Ali Akbar, "Dekhoda Glossary", Vol.14, Tehran University Publications, 1342.
13. Sayah Ahmad, "Nouvin Comprehensive Dictionary (Sayah Dictionary)", Vol.2, 16th Edition, 1373.
14. Tahmasebi Javad, "Criminal Proceeding Law", Vol.2, Tehran, Mizan Publications, 1st Edition, 1394.
15. Amid Hasan, "Amid Persian Dictionary", Vol.1, Sepehr Publications, 3rd Edition, 1374.
16. Kianoush Hasan, "Equivalent Vocabulary of Iranian Persian Academy", Tehran, Soroush Publications, 1st Edition, 1381.

17. Madani, Jalaledin, "Criminal Proceedings Law", Vol.1, Tehran, Paydar Publications, 1385.
18. Moin Mohammad, "Moin Persian Dictionary", Vol.1, Tehran, Amir Kabir Publications, 1371.
19. Moin Mohammad, "Moin Persian Dictionary", Vol.1, Tehran, Amir Kabir Publications, 10th Edition, The Word Search.
20. Miri Seyed Reza, "Criminal Proceedings Law of Adaptive Criminal Pursuit in Iran and England's Criminal Justice System", Tehran, Majd Publications, 1390.
21. Hashemi Seyed Mohammad, "Human Rights and Essential Liberties", Tehran, Mizan Publications, 1st Edition, 1384.
22. Kavendish Researchers Committee, "England's Legal System", Translated by Dr. Nasrin Mehra, 1st Edition, Mizan Publications, 1387.
23. Shafie Seyed Mohammad, "How to Inspect Places, Individuals and Objects by Judiciary Agents in Evident and Non-Evident Crimes in Criminal Proceedings Law approved in 1392", M.S Thesis in Penal Law and Criminology, Islamic Azad University, Yasouj Branch, 1395.
24. Kashfi Seyed Said, "Adaptive Investigation of Police Authorities in the Criminal Process in Iran and Whales and England's Laws", M.S Thesis, Martyr Beheshti University, 1377.
25. Nazemian Faranak, "Police Search and Inspection", M.S Thesis, Shiraz University, 1391.
26. Nedaie Reza, "Inspections Necessities in the Criminal Proceedings Law", M.S Thesis, Mashhad Ferdosi University, 1392.
27. Yekranghi Mohammad, "Police Authority Limits in Iran and England's Laws", M.S Thesis, Martyr Beheshti University, 1385.
28. Ahmadoghozat Samer Mohammad, "Search Special Authorities in Jordan's Criminal Proceedings Law", Judiciary Law Magazine, No.54, Spring 1385.
29. Rajabi Asl Mahdi, "Inspection Article in Criminal Affairs", Stated in www.pajoohe.com.
30. Mehra Nasrin, Jahani Behzad, "Citizen Arrest in Iran and England's Laws", Criminal Law Studies Quarterly, Spring 1395, 14th Period, 4th Year.
31. Issued Verdicts by General Committee of Administrative Justice Tribunal.
32. Criminal Proceedings Law Approved in 1392.
33. Proceedings Law of Public and Revolutionary Courts.

34. Law of Intensifying Punishment of Arms and Munitions Smuggling and Armed Smugglers Approved on 1350/11/26.
35. Islamic Punishment Law.
36. Consultative Theories, Judiciary Legal Head Office,
37. Andrew, Ashworth & Redmayne, Milk, The Criminal process, Oxford university Press, Third Edition, 2004.
38. Slapper, Gray & Kelley, David, The English Legal system. 7th Edition, Cavendish publishing, England, 2004.
39. Police and Criminal Evidence Act 1984.
40. <http://www.homeoffice.gov.uk/police/recruitment/specials>.
41. <http://www.policespecials.com>.

Adaptive Study of Inspection and Search of Places in Executing Iran and England' Police Duties

Saeed Sehati, Hamid Fatemi Movahed

Abstract

Inspection and search are considered as important and impressive measures that are conducted in preliminary or supplementary investigations by Judiciary agents in detecting crimes. This issue has put duties and authorities upon the Judiciary agents in line with codified laws and regulations. The issue under research is carried out with the aim of adaptive study of Iran and England's laws in duties and authorities of police in inspecting and searching places. The Judiciary agents along with detecting and safeguarding evidence and traces of crime perpetration and evidence of identifying and arresting the accused and preventing the accused from running away and the like, as well, are obliged to use inspection and search method. In regards to the role and impact of this method in detecting and preventing crimes and considering the fact that the Judiciary agents are usually willing to have vast authorities in their assigned tasks (restoring order and security), as well, but legislative agencies, lawyers, judges and attorneys disagree with this issue emphasizing civil liberties and rights. The issue of inspection and search of places are frequently carried out particularly against suspects and the accused. It should be noted that this issue be carried out in a manner that the rights of the suspects and accused be proportionally and moderately protected and observed because ignoring this right will cause lack of fairness, justice and law.

Key Words: Adaptation, Inspection, Search, Places, Police, Iran, England

■ ■ ■